

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
به پا، نیش خار حقارت خلیدن
به ادبار، بار مذلت کشیدن
ز اوج سعادت فرو افتادن
ز هر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به دل داشتن محنت تنگدستی
سخنهای پائین و بالا شنیدن
ز هر رنگ گل بارها خار خوردن
نه آزاد گفتن، نه دلشاد خفتن
درین ملک سودا و وسواس کم نیست
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
به بازار مکارگان پانهادن
غریب و دل افگار و بیمار بودن
چنان زار بودن، چنین خوار بودن
به دوش همه دوستان بار بودن
به کنج مصیبت نگونسار بودن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن
به سودای عالم گرفتار بودن
چو لرزنده شمشاد، بی بار بودن
به چشمان همسایگان خار بودن
نه در خواب بودن، نه بیدار بودن
دچار چنین رنج بسیار بودن
چه لازم درین ملک هشیار بودن
به ناچار آنجا خریدار بودن

به سر، تا به قعر غم و درد رفتن به امید روز فـَـرَحبار بودن
عزیزان خود مفت از دست دادن درین حسرت، آزرده و زار بودن
چنین است آزردهای غـَـربت که بی پا و سر بر سردار بودن
چه خوب است با اینهمه نا مرادی بهم دوست بودن، بهم یار بودن

"اسیر" این نصیحت به یاران ضرور است
وطندار خود را مددگار بودن

(بن - المان، جنوری ۱۹۹۹ ع)